



هدایات صورت فیصله قتل و حبس دوام که بمحاکم عدلیه آینده
بر وفق آن فیصله تحریر شود

در مطبع شرکت رفیق دفعه ثانی بزیور طبع مزین گردید

(۱۲) جدی سنه ۱۳۰۵

تعداد طبع (۴۰۰) جلد

راجع به اجرای تعزیرات حقوق الله

بر ضمانر اهالی محکمه جات عدلیه دولت مقدس افغانستان

صانها الله تعالى عن الحدثان واضح باد!

چون اکثر منازعات و واقعات مشتمل بحقوق العباد و حقوق الله هر دو میباشند و فیصله جات آن که با تمام میرسد بواسطه ابرا یا صلح و یا عفو اسقاط حقوق العباد شده میباشد و تعزیرات حقوق الله که از روی سیاسیات شرعیه دولت اسلامیة بر ذمه مجرم مذکور لازم میباشد و یا نه در اشتباه باقی میماند هیچ معلوم نمیشود که آیا بر ذمه مجرم مذکور تعزیر حقوق الله هست یا نه درینصورت فیصله های مذکور نا تمام و ناقص دیده میشود.

لهذا این هدایات از روی شرع شریف بطور تمثیل برای شمایان واضح گردید که تا آینده و انواع فیصله جات مذکورات تمام و کامل بطرز مذکور از هر قسم جرم که از اقسام مندرجه مذکوره هدایات هذا بوده و یا نبوده از روی احکام شرعی فقه شریف مطابق مذهب مهذب حنفی ح فیصله کرده باشید که تا در فیصله جات نقص و ناتمامی ظاهر نگردد و حکم تعزیرات حقوق الله که در فیصله مذکوره هست یا نه باقی نماند.

هدایات صورت فیصله قتل و حبس دوام

که بمحاکم عدلیه آینده بروفق آن فیصله تحریر شود

(مثلاً یک نظیر آن بصورت ذیل میباشد)

بتاریخ یوم شنبه (۶) جدی سنه (۱۳۰۳) حاضر آمدند در محکمه شرعیه ابتدائیه ایالت کابل و یا

مدعی سید اکبر ولد میر حیدر ساکن تنگی سیدان و مدعالیه هر یک سید معروف و لد سید محمد ساکن مذکور و

مدعی مذکور اظهار نمود که عبدالقدیر و ملا احمد خان مذکوران را که معاونان قتل سید انور مقتول دانسته و گرفته ام چون از احضار شاهدان عاجز شدم نامبردگان را بتاریخ گرفته سوگند دادم فقط مدعی مذکور بمدعا علیه سید معروف حاضر ندای مذکور چنین دعوی شرعی نمود که سید انور پسرم که شخص اصیل و مسلمان عاقل و بالغ محقون الدم علی التابید در داراسلام بود و هیچوجه من الجوده کشتن و برای همین مدعی هذا و دیگر کسی روا نبود بتاریخ در محل مذکور به تیغ — شمشیر زده نرخی و مجروح کرده بود که از زخمهای او خون جاری شده و از زخمهای مذکور انزهاق روح او شده و فوت گردیده بعد از قتل سید انور مذکور وارث از وی من مدعی مانده ام لاغیر حال طلب قصاص پسرم که حق من است از شمایان اهالی محکمه که نایب شرع هستید میخواهم که بالای سید معروف قاتل بحکم شروع مطهر جاری شود.

بعد از صحت دعوی مدعی مذکور اند عالییه پسر معروف مذکور پرسیده شد در جواب از ادعای مدعی مذکور را انکار مطلق نمود و از مدعی مذکور طلب بینه عادلہ شد — فردا بروز یکشنبه حاضر آمدند مدعی و مدعی علیه مذکور در محکمه شرعیه مدعی مذکور گفت شاهدان ندارم که اثبات حق خود را که قصاص پسرم میباشد بکنم و سوگند هم نمیدهم بکله برای شان ابرار از حق سوگند خود کرد لهذا این خادم شرع حکم نمود که همراه مدعی علیه مذکور در آینده در خصوص دعوی مذکور مزاحم و غرضدار نمیباشد چیزیکه در فوق مذکور گردیده خاص نقل فیصله شرعی است و آنچه اضافه لزوم دیده میشود حسب ذیل است که باید بعد از این در فیصله جات اضافه شود:-

(الف):- چون از سید معروف مظنون مذکور که دعوی قتل ورثه سید انور مذکور بالای او شده بود قصاص که حق العباد است بنا بر ابرا ساقط هست مگر فعل قتل باخبار تحقیقات ابتدائیه که علم من رسیده بصورت خفی شده و بصورت شده و زور و مکابره نشده و شخص مظنون مشهور بالفساد نیست و در ملک هم امنیت موجوده است لهذا مظنون را حکومت بدون از قتل و حبس دوام تعزیر کرده میتواند.

(ب):- چون از سید معروف مظنون مذکور که دعوی قتل ورثه سید انور مذکور بالای او شده بود در قصاص که حق العباد بود سبب ابرا ساقط شد مگر چون کیفیت فعل قتل مذکور به اخبار تحقیقات ابتدائیه که علم من رسیده قانع نمیشوم اگر

حکومت دعوی تعزیرات حق الله داشته باشد بمجلس مشوره تحقیقات ابتدائیه جرم مظنون مذکور را تسلیم کند که بعد از آرای مجلس مشوره اجرا شود.

(ج):- چون قتل سید معروف مذکور بصورت خفی شده است و بشدت و زور و مکابره نشده است و مجرم اظهار فعل اغوا کرده بود و شخص مجرم مشهور بالفساد نیست و در ملک امنیت هم موجود نیست حکومت بنا بر مصلحت وقت تعزیر الی قتل کرده میتواند مواد مذکوره که راجع بفیصله قتل در تعزیرات حقوق الله نوشته شده خاص متعلق است بآن فیصله جاتیکه ثبات قتل شده باشد و بواسطه ابراء یا عفو یا صلح یا شبه قصاص ساقط گردیده باشد و در این نقل فیصله اگر چه اثبات قتل نشده ولی بطور نظیر است.

تعزیر حقوق الله برای دزد قطاع الطريق

(الف):- چون در حق عبدالله ولد که فعل سرقه ثابت شده مگر حد شرعی لازم نشده در صورتیکه فعل سرقه از ان مکرر دیده شد حکومت حکم تعزیر الی قتل داده میتواند.

(ب):- چون فیض محمد و عبدا لعلی و در فعل قطاع الطريق گرفتار شدند که در بیرون شهر داره کرده بودند چون حد شرعی درباره آنها ثابت نشد مگر قطاع الطريقی آنها ثابت شد حکومت حکم تعزیر الی قتل داده میتواند.

(ج):- چون محمد امین ولد بفعل قطاع الطريقی گرفته شد که اخذ مال و یا قتل نفس نکرده بود حکومت تعزیر بدون قتل بحبس الی ظهور آثار توبه و صلاح و یا تا بمیرد داده میتواند.

(د):- چون دوست محمد ولد بفعل قطاع الطريقی گرفته شد که اخذ مال نموده و قتل نفس هم کرده در باره او و یا یکی از رفقای او حد شرعی لازم نشد حکومت تعزیر الی قتل کرده میتواند.

(احکام مواد تعزیریة حقوق الله که برای قاتل در فیصله)

(که اثبات قتل شده باشد وبعد از عفو و صلح)

(و ابرای ورثه قصاص ساقط شود از طرف)

(پادشاه اسلام و یا نایب آن)

(داده میشود از بین مسائل ذیل)

(استنباط شده)

قال الحموى فى شرح الاشباه لان المستحق اذا سقط حقه كان للامام التعزير لانه شرع للاصلاح (حموى) و ايضا قال فى موضع اخر و فى الفتاوى الظهيريه و عبارتها الوارث و اذا عفى من القاتل هل يبرأ فى بينه و بين الله تعالى قال هو بمنزلة الدين على رجل لرجل فمات الطالب و ابرأته الورثة فانه يبرأ فيما بقى و اما عن ظلمه المتقدم فلا يبرأ فكذلك القاتل لا يبرأ عن ظلمه و عداوته و يبرأ من القصاص (حموى) و اعلم ان قتل النفس بغير حق من اكبر الكبائر بعد الكفر با الله تعالى (ردالمحتار جلد خامس باب الجنائيات) فمر تكبه مرتكب محرم و كل مرتكب معصية لاحد فيها فقيه التعزير و هذه الكلية غير منعكسة لانه قد يكون فى معصية فيها حد (رد المحتار جلد ثالث باب التعزير).

مورخه (١٠) جدى سنه ١٣٠٣

ACKU